



تحلیل طراحی و معماری مجتمع مسکونی پایدار با تاکید بر روان شناسی محیطی از بعد حس تعلق به مکان (مطالعه موردی: برج های آسمان تبریز)

احمد میرزامحمدی^۱، شهره باقرزاده کثیری^{۲*}، علی زینالی عظیم^۳

۱۳۹۸/۰۵/۰۶

تاریخ دریافت مقاله :

۱۳۹۹/۰۲/۰۵

تاریخ پذیرش مقاله :

چکیده

بیان مساله: پژوهش حاضر در رابطه با تحلیل طراحی مجتمع مسکونی پایدار با تاکید بر روان شناسی محیطی از بعد حس تعلق به مکان در شهر تبریز می باشد. به علت-تجمع کاربران در سطحی محدود و بهره گیری قابل توجه از منابع انرژی در ساختمان های بلند، لازم است تا رویکرد پایداری در فرآیند طراحی و مرحله بهره برداری مورد توجه-قرار گیرد. پیشرفت و توسعه فناوری و تخصصی تر شدن علوم مختلف هم چون معماری در کنار مسایل مربوط به روان شناسی محیطی از جمله عواملی هستند که بر آسایش و آرامش انسان تاثیر می گذارند. همچنین رشد سریع شهرها، افزایش بی رویه جمعیت شهری و در پی آن ایجاد مسکن در قالب مجتمع های مسکونی و رشد ناهنجار کالبدی، به علاوه نگاه کمی گرایانه به عناصر کالبدی، پیامدهایی نظیر از دست رفتن مکان، بیگانگی انسان با مکان و در نهایت کاهش حس تعلق به مکان را در پی داشته است. لذا با توجه به این که محیط، یکی از عوامل موثر در ایجاد حس مکان و احساس تعلق کاربران است؛ ضرورت انجام مطالعات گسترده در باب شناسایی عناصر حس مکان در ابعاد کمی و کیفی جامعه احساس می شود.

سوال تحقیق: سوال اصلی تحقیق این است که آیا طراحی مجتمع مسکونی با رویکرد روان شناسی محیطی از بعد حس تعلق به مکان به پایداری مجتمع های مسکونی منجر خواهد شد؟

هدف تحقیق: هدف اصلی تحقیق پیش رو تحلیل طراحی مجتمع مسکونی پایدار با تاکید بر روان شناسی محیطی از بعد حس تعلق به مکان در شهر تبریز می باشد.
روش تحقیق: روش تحقیق حاضر به صورت توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر پیمایشی می باشد. جامعه آماری شامل تمامی ساکنین برج های آسمان شهر تبریز می باشد، که حدود ۲۶۱۲ نفر می باشد و حجم نمونه ۳۵۵ نفر از ساکنین برج آسمان شهر تبریز می باشد که از روش کوکران بدست آمد. در تحلیل داده ها از نرم افزار SPSS استفاده گردیده است برای پایایی سوالات از آلفای کرونباخ استفاده گردید، که پایایی سوالات برابر ۰/۸۸۵+ شد. برای نرمال بودن متغیرها هم از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف (K-S) و در ادامه از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد.

مهم ترین یافته ها و نتیجه گیری تحقیق: براساس نتایج حاصل از تحقیقات کتابخانه ای و با توجه به اطلاعات گردآوری شده با استفاده از تکنیک پرسشنامه و تجزیه و تحلیل آن ها، مشخص گردید میان طراحی مجتمع مسکونی پایدار با روان شناسی محیطی و حس تعلق به مکان رابطه ی معناداری وجود دارد.

کلمات کلیدی: مجتمع مسکونی پایدار، روان شناسی محیطی، حس تعلق به مکان، برج آسمان تبریز.

^{۱*} دانشجوی کارشناسی ارشد معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اسکو؛ اسکو، ایران

^۲ استادیار گروه معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اسکو؛ اسکو، ایران (نویسنده مسئول)؛ shohrehkafir2@gmail.com

^۳ استادیار گروه شهرسازی و معماری، عضو باشگاه، نخبگان و پژوهشگران جوان، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تبریز؛ تبریز، ایران

۱- مقدمه

رشد و توسعه شهرنشینی با گسترش کالبدی شهرها رابطه- مستقیم داشته و دوری از طبیعت و قطع رابطه انسان با محیط‌زیست طبیعی را موجب می‌شود. (محرم‌نژاد و بهمن‌پور، ۱۳۸۸). محیط‌های مصنوع ساخته‌شده توسط انسان، نیازهای اساسی ساکنان خود را تأمین نمی‌کنند. به‌ویژه، مجتمع‌های مسکونی که در دهه‌های اخیر با رشد بی‌سابقه جمعیت شکل گرفته‌اند، از معیارهای تأمین‌کننده نیاز اساسی انسانی فاصله گرفته‌اند. براین بررسی محیط‌های فیزیکی شکل گرفته و خواسته‌های ساکنان آن‌ها می‌تواند رابطه میان این دو وجه و مؤلفه‌هایی تأثیرگذار بر آن‌ها نشان دهد. بررسی رابطه و تأثیرگذاری میان کیفیت فیزیکی محیط‌سکونت و درک افراد از این محیط از آن‌جا اهمیت- دارد که در سال‌های اخیر توجه به کیفیت محیط به طور فزاینده‌ای افزایش یافته‌است و تمام در این رابطه بررسی‌ها نشان می‌دهد، محیط با کیفیت پایین می‌تواند بر زندگی- افراد تأثیر منفی و بدی بگذارد. (Gifford & Steg, 2005:60) شیوه‌های رفتاری فرد یا گروه ممکن است به دلیل فشار و شرایط محیطی تغییر و تحول یابد. این- مسئله با به حداکثر رساندن قابلیت‌های محیطی و آموزش شیوه‌های استفاده محیط به افراد قابل حل است. هدف روان‌شناسی محیط، بررسی و شناخت معنی و مفهوم فضا و مکان از نظر روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی، هنر و معماری، شهرسازی، طراحی شهری و به‌طور کلی معرفت‌شناسی و فلسفه و در نهایت درک بهتر انسان‌ها از فضا و مکان مخصوصاً فضاها و مکان‌های مصنوعی باشد. (نمازیان و قارونی، ۱۳۹۲) اهمیت روان‌شناسی محیط در ساماندهی نکات طراحی فضاها با توجه به نیازهای رفتاری و روانی افراد و رعایت حریم شخصی و خصوصی کاربران و اصل احترام به کاربران بناها، ارتقای کیفیت معنوی و مادی فضاها، رعایت سلسله‌مراتب معنویت، کمال و بشریت در آن‌ها و بهره‌برداری مناسب از منابع انرژی و مطابقت با محیط‌است. محیط اطراف تأثیر عمیقی بر کارها دارد. خلق و خوی، رفتار و حتی سلامت جسمی و روحی تحت تأثیر درون‌داد حسی است که دائماً از محیط دریافت می‌شود. (مک اندرو، ۱۳۸۷) محیط و رفتار آن قدر به یکدیگر

وابسته و در هم تنیده‌اند هستند که به راحتی نمی‌توان آن- ها را از یکدیگر تفکیک کرد. در روان‌شناسی محیطی تأکید زیاد بر این موضوع است که چگونه رفتار، احساسات و حس تندرستی انسان تحت تأثیر محیط فیزیکی قرار می‌گیرد. در روان‌شناسی محیط، رفتار در تعامل با ابعاد فیزیکی و کالبدی معماری یا نمادی محیط مورد بررسی قرار می‌گیرد. (مرتضوی، ۱۳۸۰) توجه به مطالعه‌ی انسان و رفتارهای او در مقرهای رفتاری، ابتدا به وسیله راجر بارکر (Barker, 1968) ارائه شد. بنا به نظر کریک، روان‌شناسی محیطی مطالعه روان‌شناختی رفتار انسان به گونه‌ای است که به زندگی روزمره او در محیط مرتبط باشد. (Craik, 1970) سانفلد، محیط را به عنوان سلسله‌مراتبی تعریف می‌کند که فرد در- آن مرکز محسوب شده و توسط محیط رفتاری، محیط- ادراکی، محیط عملی و محیط جغرافیایی احاطه شده است. (Jencks, 1977) در بسیاری از ادبیات مرتبط با مکان، مفهوم مکان اغلب بر حس تعلق یا وابستگی احساسی به یک- مکان تأکید دارد. رلف جغرافیدان و پدیدارشناس معروف در تعریف مکان تأکید می‌کند که مکان‌ها برخلاف فضاها انتزاعی- نبوده، بلکه مفاهیمی هستند که به‌طور مستقیم از جهان تجربه می‌شوند، بنابراین مکان‌ها سرشار و مملو از معانی، چیزهای واقعی و فعالیت‌های جاری در آن‌ها هستند و از سوی دیگر هشدار می‌دهد که انکار جنبه‌های معنایی از مکان یا به عبارتی دیگر حذف معنا از مکان و تقلیل آن به فضا است که بی‌معنایی را به وجود می‌آورد. حال آن که یک معمار وظیفه دارد مکان را به صورت تمام و کمال در ذات- خود آشکار کند، چرا که بنا است که مکان را به مخاطب خود هدیه و تقدیم کند و هنر معماری با ساختن خلاقانه مکان این- وظیفه را دارد که خصوصیات محیط را گردآوری کرده و آن را در مکان نشان دهد. (صافیان و مومنی، ۱۳۸۹). از طرف دیگر توجه نکردن به اصل پایداری در دهه‌های اخیر سبب شده محیط- زیست، اکوسیستم‌زیستی و ادامه حیات موجودات زنده در روی- کره‌ی زمین به خطر افتد. عدم توجه به ملاحظات زیست‌محیطی توسط خود انسان‌ها موجب بروز چنین مشکلاتی در محیط شده- است. (Williammason et al., 2003) ارائه ساخت و ساز پایدار، نیازمند مشارکت و اقدام تمام افرادی است که مشغول در ساخت و ساز و نگهداری سازه یا ساختمان هستند.



این موضوع آن‌هایی را شامل می‌شود که خدمات طراحی، مشاوره و ساخت و ساز را ارائه می‌دهند. (Consultants, 2001) صنعت ساخت و ساز مسکن باید به ناچار روش‌های عملیاتی‌اش را تغییر دهد. تا با توجه بیشتر به محیط‌زیست با یک راه‌جدید که نگرانی‌های زیست‌محیطی را محور تلاش‌هایش نگاه‌دارد بتواند به پایداری مسکن در محیط‌زیست منجر شود. (Abidin, 2009) در نتیجه طراحی مسکن پایدار، برای کاهش اثرات منفی و ناگوار بر روی محیط‌زیست و برای بهبود کیفیت محیط‌زیست ایجاد شده‌است. (Manoliadis et al., 2007) مفهوم پایداری در مسکن، ابتدا بر- روی مسائلی از قبیل منابع محدود، به‌خصوص انرژی و این‌که چه‌طور اثرات را بر روی محیط‌زیست طبیعی کاهش داد، متمرکز شد. در این راستا، توسعه مسکن پایدار می‌تواند به‌عنوان وسیله‌ای مفید برای حفاظت منابع طبیعی با استفاده از پارامترهای بهره‌وری انرژی برای به حداقل رساندن مصرف انرژی در نظر گرفته شود. (Bakar et al., 2010; Holton, et al., 2010). از طرفی امروزه طراحی محیط ساخته‌شده به‌اشکال مختلف به‌دانش و آگاهی متکی است. در این رابطه دانش روان‌شناسی محیطی به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم کمک می‌کند تا طراحان و معماران مسکنی- طراحی کنند که با نیازهای عاطفی و روحی و فرهنگ- کاربران سازگارتر هستند و پاسخ‌گوی نیازهای ساکنین- خود از نظر روحی و عاطفی هستند. همان‌طور که مطرح- شد، تعامل اجتماعی متأثر از فعالیت‌ها، فرهنگ، آداب- و رسوم و ارتباطات و تعاملات اجتماعی ساکنین است که- باعث ایجاد خاطره‌جمعی، کارایی مکان و حضور ساکنان در مجتمع‌های مسکونی می‌شود و حس دلبستگی ساکنان را به مسکن ارتقا داده و باعث پایداری و بهبود کیفیت پایداری در مجتمع‌های مسکونی می‌شود. هدف اصلی تحقیق پیش‌رو تحلیل طراحی و معماری مجتمع مسکونی پایدار با تاکید بر روان‌شناسی محیطی از بعد حس تعلق به مکان می‌باشد.

۲- پرسش‌های تحقیق

– آیا طراحی و معماری مجتمع مسکونی با رویکرد روان‌شناسی محیطی از بعد حس تعلق به مکان به پایداری- مجتمع‌های مسکونی تبریز منجر خواهد شد؟

– آزادی در انتخاب مسکن در حس تعلق به مکان موثر است؟

۳- فرضیه تحقیق

به نظر می‌رسد میان طراحی و معماری مجتمع‌های- مسکونی پایدار با روان‌شناسی محیطی از بعد حس تعلق به مکان رابطه‌ی معناداری وجود داشته‌باشد.

میان آزادی در انتخاب و حس تعلق مکان در مجتمع مسکونی رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

۴- پیشینه پژوهشی

آلتمن و لائو بیان می‌کنند که تعلق مکانی به رابطه‌شناختی با یک محیط یا یک فضای خاص اطلاق می‌شود و در واقع دلبستگی به مکان رابطه‌نمادین ایجاد شده توسط افراد به مکان است که معانی احساسی، عاطفی، هویتی-فرهنگی مشترکی به یک فضای خاص می‌دهد. (Altman & Low, 1992)

کنکیس و پنچ در مقاله‌ی مقدمه‌ای بر جغرافیای اجتماعی شهر تاکید دارند که مفهوم مکان اغلب بر حس تعلق یا وابستگی احساسی به یک مکان تاکید دارد. (Pinch, 2000 & Konx)

کایل و همکارانش بیان می‌کنند که مکان دربرگیرنده روابط مداوم بین انسان و فضا است: فضاها زمانی که ما آن‌ها را بهتر شناخته و ارزش‌گذاری می‌کنیم به مکان‌های با معنا و حس خاص بدل می‌شوند که توسط خود افراد درک و تجربه شده‌اند. (Kyle et al., 2004).

کانتید در پژوهش خود با عنوان ایجاد حس تعلق به مکان: به‌سوی یک‌درک از روابط و تجارب افراد. سازماندهی یک رابطه بین مردم و محل زندگی، در سه بعد تقسیم‌بندی می‌کند: ابعاد محل، ابعاد فرآیند و بعد شخص. این- تقسیم‌بندی به ساده‌سازی مفاهیم متنوع و عدم انطباق با مکان دلبستگی به طریقی که از نظر رفتارشناختی روشن- می‌کند یک چارچوب توضیحی ایجاد کنیم که تجربه روابط بین افراد برای ایجاد حس تعلق به مکان را نمایان کند (Counted, 2016).

اسماعیل در مطالعات خود در ارزیابی از احساس هویت ساکنان در شهر جدید پوتراجایا^۱ (مالزی) به این نتیجه می‌رسد که حتی با طراحی منحصر به‌فردی که عناصر



شهری (مثل خیابان‌ها، مساجد، مکان‌های عمومی و ...) پوتراجایا دارد، نتوانسته حس هویت را در ساکنان خود برانگیزد. این شهر با بحران هویتی روبه‌روست، که ناشی از این موضوع است که ساکنان به‌سختی به‌عناصر فیزیکی و کالبدی در مرحله تشخیص یک‌مکان اعتماد می‌کنند. (Ismail, 2008)

حیدری و همکارانش اظهار می‌دارند که حس تعلق کالبدی مکان در خانه‌های سنتی در مقایسه با مجتمع‌های جدید بیشتر است. این تعلق در عناصر کالبدی، در دو ویژگی شکل و اندازه عناصر (شامل؛ شکل و اندازه-حیاط، شکل و اندازه ایوان یا سردر، نورگیری و شکل در و پنجره) بافت و تزئینات (شامل؛ تزئینات حیاط، نما و فضای داخل) در خانه‌های سنتی بیشتر نمود می‌یابد. (حیدری و همکاران، ۱۳۹۳).

خموشی، حمیدزاده بیان می‌کنند که اهداف معماری پایدار، ادراک حس مکان، فضای هستی و عدم مزاحمت در آن با استفاده از انرژی‌های طبیعی مانند انرژی خورشیدی و باد به کاربرد مصالح طبیعی و بومی دارای قابلیت بازیافت و بادوام، جمع‌آوری و استفاده از آب به‌ویژه آب‌باران، عایق‌بندی، حرارتی، صوتی، قابلیت تهویه طبیعی به‌کمک سقف‌نورگیری صحیح می‌باشد. اهمیت انجام این تحقیق از آن جهت است که اکثر مجتمع‌های مسکونی در شهر تبریز توجه‌چندانی به‌مباحث روان‌شناختی و ایجاد حس تعلق و دلبستگی به‌مکان زندگی ساکنین خود نداشته‌اند. همچنین نبود فضاهای موردنیاز اساسی برای ایجاد آرامش و حس تعلق به‌مکان ساکنین در مجتمع‌های بلندمرتبه باعث شده است که مجتمع‌ها تاحدیادی با استانداردهای موجود در دنیا که برای طراحی و معماری مجتمع‌های مسکونی از لحاظ پایداری و کیفیت‌تاثیرگذاری محیط‌مسکن در احساسات و عواطف ساکنین، در نظر می‌گیرند فاصله‌پیدا-کنند که ضرورت طراحی به‌صورت صحیح و با نگاه‌بر آیت‌های فرهنگی و قومیتی را نمایان می‌کند، چراکه مسکن بر تمام ابعاد زندگی انسان تأثیر می‌گذارد، و جایگاه-ویژه‌ای دارد که نباید بدون توجه از آن‌ردشد. (خموشی و حمیدزاده، ۱۳۹۷).

منصور حسینی، جوان‌فروزنده در پژوهشی با عنوان نقش-مؤلفه‌های کالبدی-معنایی مکان‌های عمومی مجتمع‌های-

مسکونی در حضورپذیری سالمندان (مطالعه‌موردی: شهرک اکباتان)، توجه به پاسخگویی محیط‌های کالبدی برای گروه‌های اجتماعی بهره‌بردار در محیط‌های روزمره-انسانی از دغدغه‌های اصلی طراحان بوده است. علی‌رغم توجه معماران و برنامه‌ریزان در طراحی فضاهای عمومی مجتمع‌های مسکونی، روش و معیار مشخصی در فرآیند طراحی براساس حضورپذیری گروه‌های بهره‌بردار ارائه نشده است و نبود آن منجر به تعاریف عمدتاً شهودی توسط-طراحان از حضورپذیری گروه‌های انسانی در مکان-گردیده است. (منصور حسینی و جوان‌فروزنده، ۱۳۹۷)

۵- روش تحقیق

در پژوهش حاضر، با توجه به ماهیت آن، روش گردآوری-اطلاعات، کتابخانه‌ای و میدانی است؛ به‌طوری که از روش کتابخانه‌ای برای تهیه پیشینه تحقیق، چارچوب-نظری و شناسایی متغیرها و... به کمک کتب، مقالات و تحقیقات استفاده شده است. بنابراین متد اصلی استفاده-شده در مطالعه‌ی حاضر، نمونه‌موردی است، بدین منظور با روش پیمایشی، با استفاده از پرسشنامه و استفاده از تحلیل‌های آماری به ارزیابی هدف اصلی پژوهش پرداخته-شد. برای این کار پرسشنامه‌ای تهیه؛ تا مجموع اهداف-تحقیق را تأمین نماید. جامعه‌ی آماری پژوهش حاضر شامل ساکنان مجتمع مسکونی آسمان تبریز می‌باشد که-برابر ۲۶۱۲ نفر می‌باشد. حجم نمونه شامل ۳۵۵ نفر از طریق فرمول کوکران بدست آمد. برای پایایی سوالات از آلفای کرونباخ استفاده شده است.

فرمول:

$$\alpha = \frac{k}{k-1} \left(1 - \frac{\sum pq}{s^2} \right) \quad (1)$$

$$\alpha = \frac{k}{k-1} \left(1 - \frac{\sum_{i=1}^k s_i^2}{s^2} \right) \quad (2)$$

برای نشان دادن نرمال و غیرنرمال بودن توزیع متغیرها از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف^۲ (K-S) و همچنین از ضریب همبستگی پیرسون هم برای بررسی معناداری بین متغیرها و برای تجزیه و تحلیل اطلاعات گردآوری شده از نرم‌افزار تحلیل آماری (اس‌پی‌اس‌اس)^۳ استفاده شده است.



۶- مبانی نظری

۶-۱- مسکن پایدار

مسکن اولین فضایی است که تجربه روابط انسانی در آن آزموده شده و چارچوبی فیزیکی است که در آن منابع اجتماعی- فرهنگی و اقتصادی فرد آمیخته می‌شود. عدم دسترسی به مسکن مناسب، می‌تواند سبب بروز یا افزایش اختلالات روانی و مشکلات گوناگون شود. (پورمحمد، ۱۳۹۳) مسکن در بسیاری از موارد، مهم‌ترین عامل تاثیرگذار و اساسی در میزان رضایت‌مندی یک‌فرد از سکونت در یک‌محل، مسکن و شرایط محیطی آن می‌باشد. (Westaway, 2006) مسکن امکان‌ات ضروری، اساسی و زیربنایی بشر برای یک زندگی امن، ایمن، آسوده و راحت و زندگی در محیط زیست ساخته شده را فراهم می‌کند. (Jiboye, 2011).

شکل مسکن؛ بستگی بسیار زیادی به نوع طراحی انجام گرفته توسط معماران دارد. در مطالعات محیطی تأیید شده است که طراحان به هنگام اندیشیدن درباره برنامه‌ی ساختمان‌ها، در طول فرآیند طراحی به شدت به گونه‌ها متکی‌اند. براساس نیازهای ضروری پژوهش و پیشینه شکل‌گیری الگوهای مسکونی در کشورهای مختلف گونه‌شناسی‌های مختلفی از محیط‌های مسکونی از مقیاس مجموعه تا بلوک صورت گرفته است. گونه‌های مختلف مجموعه‌های مسکونی را براساس هم‌نشینی فضای باز و بسته به چهارگونه محیطی، خطی، منفرد و ترکیبی دسته‌بندی می‌کنند. طبق مطالعات انجام گرفته حالت‌های مختلف قرارگیری بلوک‌ها در مجتمع‌های مسکونی تأثیر بسیار زیادی بر حس تعلق و آسایش ساکنان در فضای‌های مجتمع‌های مسکونی دارد. (خلیلیان و همکاران، ۱۳۹۸)

مسکن مصرف‌کننده بخش زیادی از انرژی و منابع وارد شده به شهرها نیز می‌باشد. تخمین زده شده هر ساله در سطح جهان حدود ۴۰ درصد از مواد خام از نظر وزن در ساخت بناها و ساختمان‌ها بکار می‌رود. همچنین ۳۶ تا ۴۵ درصد از انرژی وارد شده به جوامع نیز در ساختمان‌ها استفاده می‌شود. (Cai, 2004) برای توسعه‌ی پایدار مسکن، نه تنها باید نیازهای کنونی جامعه و نیازمندترین اقشار جامعه را برآورده ساخت، بلکه بایستی نیازها و چالش‌های آینده و راهکارهای حل مشکل را نیز شناخت. (حکمت‌نیا و انصاری، ۱۳۹۱) اشکال مختلف توسعه‌ی

پایدار^۴، در بخش ساختمان مسکونی، در درجه اول براساس بهبود استفاده از محیط زیست و بهینه‌سازی و صرفه‌جویی مصرف- انرژی از سهم ساختمان است. (Winston & Eastaway, 2008) یکی از اهداف بسیار مهمی که باید در جهت برآورده کردن انتظارات پایداری ساختمان‌ها با آن برخورد شود، پرداختن به پتانسیل فناوری‌های مدیریت داده‌های نوآورانه، بهبود قابلیت دسترسی به داده‌های سازگار با محیط زیست، تشدید به اشتراک‌گذاری و استفاده مجدد در تمام طول مراحل چرخه عمر ساختمان و حمایت از پردازش آن است. (Waston, 2011). هدف از توسعه مسکن پایدار، فراهم آوردن یک طبقه‌بندی پایداری به سه بخش اصلی اجتماعی، اقتصادی، و زیست محیطی است (Robins, 2006).

امروزه، انتظار می‌رود که ساختمان‌ها با قوانین جدید توسعه‌ی پایدار تطبیق یافته و بتواند خود را با شرایط موجود در شهرها وفق داده و به هدف نهایی خود در رابطه با پایداری برسد، به این معنی که آن‌ها باید در سه حوزه برتری یابند: حوزه‌ی عملکرد اجتماعی، حوزه‌ی عملکرد اقتصادی و حوزه‌ی عملکرد زیست محیطی. دو موضوع اول (عملکرد اجتماعی و عملکرد اقتصادی) در صنعت ساخت و ساز ساختمانی برای مدت طولانی وجود داشته است. کارشناسان ساخت و ساز ساختمانی با آن‌ها آشنا هستند و حداقل دانش پایه را دارند. برای این که چگونه راه‌حل‌های بالقوه در زمینه‌شان ارزیابی کنند.

باین حال عملکردهای زیست محیطی کمتر، مورد مطالعه و بررسی و درک و شناخته شده است. (Adamus, 2014) توسعه‌ی مسکن پایدار، به اندازه‌ی ساختن ساختمان‌های جامعه با اهمیت است، که یک تعادل مناسب و پایدار بین اهداف زیست- محیطی، اجتماعی و اقتصادی ایجاد کرده و به خواسته اصلی و غایی در این مورد می‌رسد. (Szekely & Knirsch, 2005) رستم‌خانی نیز ویژگی‌های یک مسکن پایدار ایده- آل را از چهار دیدگاه تعریف می‌کند:

از دیدگاه اجتماعی: خانه یا آپارتمان مکانی برای خانواده- است که معنایی نمادین از وضعیت اجتماعی آن خانواده دارد. از دیدگاه عملی: خانه یا آپارتمان مکانی برای انجام فعالیت‌های اوقات فراغت و استراحت است و برای فعالیت‌های پیشرفته و جافتاده جایی ندارد.

از دیدگاه روان‌شناختی: خانه یا آپارتمان مکانی برای خلوت و صمیمیت است.



از دیدگاه اقتصادی: خانه یا آپارتمان کالایی است که به فروش می‌رسد یا اجاره داده می‌شود. (رستم‌خانی، ۱۳۹۱)

۲-۶- حس تعلق به مکان

از دیدگاه پدیدارشناسان حس تعلق به مکان باعث دل‌بستگی عمیق بین انسان و مکان می‌شود که در آن قرار گرفته‌است. با گذشت زمان به دلیل ارتباط بیشتر فرد با مکان و تعامل بین آن‌ها این دل‌بستگی بیشتر و بیشتر می‌شود و فرد خود را جزئی از مکان می‌داند. (Relph, 1976) با نگاه از این رویکرد، تجربه اصلی‌ترین رکن ادراک این مفاهیم و معنای یک مکان است. بنابراین احساس دل‌بستگی به مکان در پیوند عملکردی بین مردم و مکان‌هایی که به عنوان وابستگی به مکان توصیف می‌شوند. بنابراین تعداد دفعات بازدید از یک مکان و جاذبه‌های مکان در طول زمان منجر به افزایش و ارتقا حس تعلق یا دل‌بستگی بیشتر به مکان می‌شود. (Ujangaz & Zakariyab, 2015)

۳-۶- رویکرد روان‌شناسان محیط به مکان

روان‌شناسی محیطی به عنوان یک رشته تحقیقاتی متمایز طی دهه‌های گذشته ظاهر شد. روان‌شناسان محیط‌زیست معتقدند که تنظیمات جسمی نقش مهمی در تسهیل اهداف و آرزوهای کاربران خود دارد. آن‌ها ادعا می‌کنند که محیط جسمی تأثیرات بسیار واقعی، فوری یا طولانی مدت بر رفتار انسان و سلامت روحی و جسمی آن‌ها دارد. با توجه به نظرات روان‌شناسان محیط‌زیست، معماران و طراحان باید هم ویژگی‌های عاطفی و هم عملکردی مکان‌ها را در نظر بگیرند. در این راستا، آن‌ها توضیح دادند که هدف از طراحی مکان‌ها نه تنها تسهیل فعالیت‌های روزمره بلکه ارائه ویژگی‌های سمبولیک و عاطفی برای جذب هرچه بیشتر مردم به مکان‌ها بسیار مهم است. کیفیت کلی محیط‌ها از نظر غنای معنای روان‌شناختی، اجتماعی و فرهنگی آن‌ها و همچنین در رابطه با آسایش جسمی، ایمنی و معیارهای عملکرد اندازه‌گیری می‌شود. (Najafi & Shariff, 2011) بر این اساس روان‌شناسان محیطی همچنین استدلال می‌کنند که تجربه مکان یکی از مهمترین عوامل از نظر حس مکان است. در این حالت، استیل حس مکان را به عنوان تجربه-

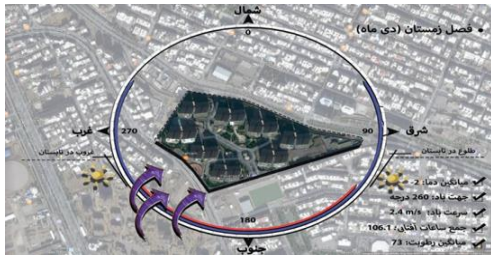
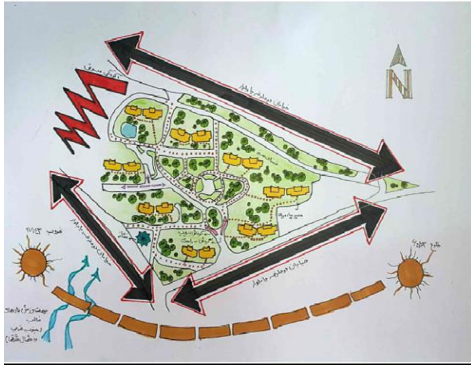
خاص یک شخص در یک محیط خاص تعریف می‌کند. وی تصریح کرد: احساساتی مانند تحریک، هیجان، نشاط و گسترش نمونه‌هایی از این تجربه هستند. ادعا کرد که روح یک مکان یا شخصیت مکان، حس مکان را تشکیل می‌دهد. یک مکان فقط یک شی نیست بلکه بخشی از یک کل بزرگتر است که با تجربه واقعی رویدادهای معنی‌دار احساس می‌شود. این تجربه در تمام حواس حساس می‌شود و تجربه مکان در واقع یک کل تجربه-نفسانی است. (Rogan et al., 2005) یک مکان باید قابل تشخیص باشد و باید هویتی داشته باشد تا حس مکانی را فراهم آورد که منجر به دل‌بستگی محل شود. حس مکان باعث می‌شود یک محیط از نظر روان‌شناختی راحت شود. برای داشتن زندگی بهتر، افراد باید از نظر عاطفی و معنوی به مکان‌های زندگی خود متصل شوند. آن‌ها نیازهای خود را از طریق روابط عاطفی و شناسایی با محل زندگی خود برآورده می‌کنند. این ارتباط عاطفی قابل توجه، احساس-مکان نامیده می‌شود. (Hidago & Hernandez, 2001).

۷- نمونه مورد مطالعه

استان آذربایجان شرقی از استان‌های ترک‌نشین ایران است. تبریز هم مرکز استان آذربایجان شرقی در ناحیه-شمال غربی آن واقع شده است. مرکز استان، شهر تبریز با جمعیت یک میلیون و ۷۷۳ هزار و ۳۳ نفر، که ۴۲ درصد جمعیت استان را به خود اختصاص داده است. شهر تبریز در ۴۶ درجه و ۲۵ دقیقه طول شرقی و ۳۸ درجه و دو دقیقه عرض شمالی از نصف‌النهار گرینویچ واقع شده است. ارتفاع آن از سطح دریا ۱۴۰۰ متر می‌باشد. با وسعتی حدود ۱۱۸۰۰ کیلومتر در قلمرو میانی خطه آذربایجان و در قسمت شرقی شمال دریاچه ارومیه و ۶۱۹ کیلومتری غرب تهران، و ۱۵۰ کیلومتری جنوب جلفا، مرز ایران و جمهوری آذربایجان قرار گرفته است. جمعیت تبریز بیش از یک و نیم میلیون نفر می‌باشد. تبریز از سمت جنوب به رشته کوه منگرد همیشه پر برف‌سهند و از شمال شرقی به کوه سرخ‌فام^۵ محدود می‌شود. رودخانه تلخه‌رود^۶ از قسمت شمال و شمال غرب تبریز می‌گذرد و بعد از طی مسافتی قابل توجه در دشت تبریز به دریاچه‌ی-



بدین گونه می‌باشد: مساحت زمین ۹۴۰۰۰ مترمربع، زیربنا ۱۹۰۰۰ مترمربع، با تعداد ۹۲۸ واحد در ۱۸ طبقه و ۱۶ عدد برج

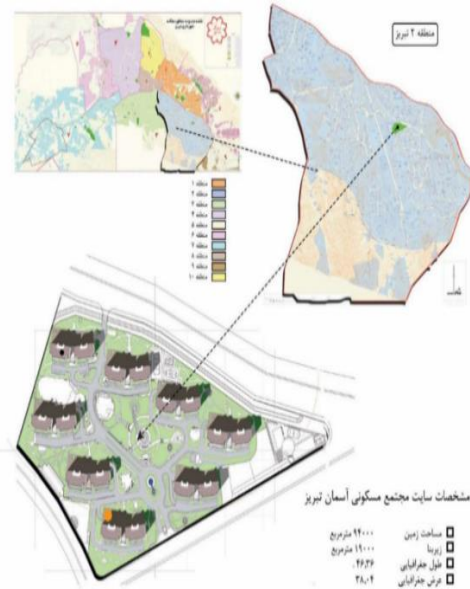


تصویر ۲ و ۳- تحلیل سایت برج‌های آسمان تبریز (ماخذ: نگارندگان: ۱۳۹۸)



تصویر ۴- فضاهای مختلف در سایت (ماخذ: نگارندگان: ۱۳۹۸)

ارومیه می‌ریزد. مهران رود از میانه تبریز می‌گذرد که اکثراً در فصول مختلف سال بی‌آب است. تبریز زمانی دارای باغات و مزارع فرح‌انگیز و پرآوازه‌ای بود به همراه قنات‌ها و چشمه‌های متعدد که امروز تمامی آن‌ها باغات و مزارع از میان رفته یا درحکم از میان رفتن است و گستره‌ی شهر پیرامون خود را به مناطق مسکونی، تجاری، اداری، و صنعتی و خدماتی مبدل ساخته است. (فرامرزی و زینالی عظیم، ۱۳۹۷). مجتمع مسکونی- آسمان تبریز در محدوده‌ی ائل‌گلی تبریز در شهرداری منطقه‌ی ۲ تبریز قرار دارد. که در سال ۱۳۷۸ ساخته شده است. دارای ۹۲۸ واحد مسکونی با مترژ حداقل ۱۱۴ و حداکثر ۲۲۳ مترمربع می‌باشد.



تصویر ۱- موقعیت پروژه آسمان تبریز (ماخذ: نگارندگان: ۱۳۹۸)

برای ارزیابی فضاهای باز، مجتمع مسکونی آسمان تبریز، واقع در جنوب شرقی شهر تبریز به عنوان نمونه انتخاب شد که از سمت شرق با منطقه ائل‌گلی و از سمت شمال با بلوار ۴۵ متری باسمنج از شریان‌های اصلی منطقه، از سمت غرب با خیابان ۳۵ متری سینا که از نظر ترافیکی در سطح محلی عمل می‌کند و از سمت جنوب با خیابان ۲۴ متری آسمان که از شریان‌های واسطه بین مجتمع مسکونی و همسایگی‌هاست، مجاورت دارد. مشخصات این مجتمع



۱۱/۲۶۷	۴۲	خیلی کم
۱۰۰	۳۵۵	جمع

جدول ۲ نشان‌دهنده‌ی سؤال‌های مربوط به متغیر حس- تعلق می‌باشد که پس از مرتب‌کردن داده‌های جمع‌آوری شده به SPSS وارد شده‌اند.

جدول ۲- داده‌های توصیفی متغیر حس تعلق (ماخذ: نگارندگان: ۱۳۹۸)

میانگین	تعداد	گویه‌ها
۴/۱۲۵۱	۳۵۵	احساس نزدیکی، از خود بودن و صمیمیت نسبت به خانه
۳/۱۳۵۲	۳۵۵	حضور درخانه مطابق با خواست و نیاز واقعی افراد
۳/۹۸۳۵	۳۵۵	علاقه به حضور درخانه به‌جای ترک آن
۳/۶۶۴۱	۳۵۵	ماندگار بودن خانه در ذهن حتی بعد از ترک آن برای مدت طولانی
۳/۲۹۲۵	۳۵۵	هماهنگی فضای خانه با ویژگی‌های شخصیتی
۴/۵۸۰۰	۳۵۵	هماهنگی فضای خانه با فرهنگ و آداب و رسوم حاکم بر خانواده
۲/۸۵۲۳	۳۵۵	میزان مسئولیت‌پذیری افراد در پیشرفت سطح- کیفی خانه
۳/۱۲۸۸	۳۵۵	اهمیت حفظ و نگهداری فضای خانه برای افراد
۴/۱۸۵۰	۳۵۵	احساس آرامش از زندگی درخانه
۳/۶۸۱۱	۳۵۵	یادآوری خاطرات خوب و بد فضای خانه برای افراد
۳/۵۱۷۷	۳۵۵	مناسب بودن تناسبات فضاهای مختلف خانه
۳/۳۶۱۰	۳۵۵	رضایت از ویژگی‌های قابل تغییر فضای خانه
۳/۵۷۲۵	۳۵۵	رضایت‌مندی از تفکیک عرصه‌های عمومی و



تصویر ۵- ورودی و دسترسی سایت (ماخذ: نگارندگان: ۱۳۹۸)

۸- یافته‌های تحقیق

۸-۱- یافته‌های توصیفی

براساس یافته‌های بدست‌آمده از این پژوهش حدود ۶۵ درصد پاسخگویان به پرسشنامه مرد و ۳۵ درصد را زنان شامل می‌شود، از نظر سنی بیشترین درصد مربوط به سنین ۳۱-۴۰ ساله با ۵۱/۷ درصد می‌باشد. از نظر میزان تحصیلات هم، بیشتر پاسخ‌دهندگان، فوق‌دیپلم با ۳۲ درصد و لیسانس با ۴۲ درصد می‌باشد. از نظر وضعیت- تاهل ۴۶ درصد پاسخگویان مجرد و ۶۴ درصد متاهل بوده‌اند. همچنین از نظر طول مدت زمان اقامت، بیشتر ساکنین این مجتمع مسکونی مابین ۵ تا ۱۰ سال می‌باشد. در ادامه به توصیف داده‌های متغیر حس تعلق به مسکن و روان‌شناسی محیط پرداخته شده‌است.

جدول ۱ پراکندگی داده‌ها را در مورد متغیر حس تعلق- نشان می‌دهد. همان‌طور که در جدول مشاهده می‌شود ۱۲/۶۷۶ درصد از پاسخ‌دهندگان نسبت به محل سکونت- خود دارای حس تعلق خیلی زیاد، ۱۵/۷۷ درصد زیاد، ۳۰/۷۰۴ درصد متوسط و ۲۹/۵۷ درصد کم و ۱۱/۲۶۷ بسیار کم می‌باشد.

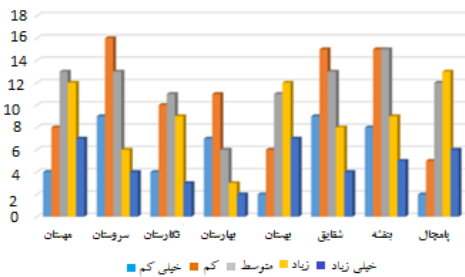
جدول ۱- توزیع فراوانی متغیر حس تعلق (ماخذ: نگارندگان: ۱۳۹۸)

درصد	فراوانی	متغیر	حس تعلق به مکان
۱۲/۶۷۶	۴۵	خیلی زیاد	
۱۵/۷۷۴	۵۶	زیاد	
۳۰/۷۰۴	۱۰۹	متوسط	
۲۹/۵۷۷	۱۰۵	کم	



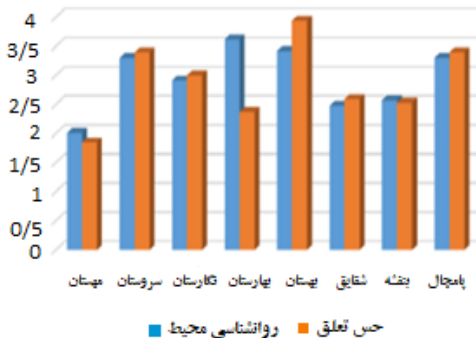
روان‌شناسی - محیطی	کم	۹۰	۲۵/۳۵
	خیلی کم	۳۸	۱۰/۷۱
	جمع	۳۵۵	۱۰۰

حال به منظور بررسی دقیق‌تر نتایج، جزئیات روان‌شناسی - محیطی پاسخگویان را به تفکیک بلوک‌های مسکونی به صورت رسم‌نموداری بررسی می‌کنیم



نمودار ۲- روان‌شناسی محیطی پاسخگویان به تفکیک بلوک‌های محل سکونت (ماخذ: نگارندگان: ۱۳۹۸)

حال در نمودار ۳ به بررسی مقایسه‌ی دو متغیر حس تعلق به مکان و روان‌شناسی محیطی می‌پردازیم.



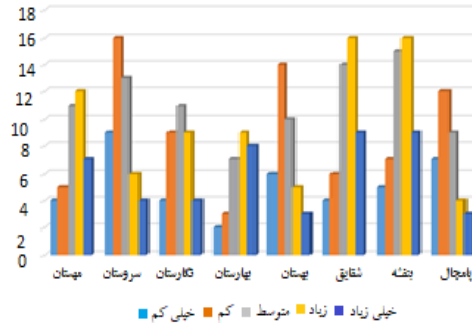
نمودار ۳- توصیف حس تعلق و روان‌شناسی محیط (ماخذ: نگارندگان: ۱۳۹۸)

۸-۲- یافته‌های استنباطی

آمار استنباطی ما را قادر می‌سازد تا ویژگی‌های جمعیتی را از روی ویژگی‌های نمونه استنباط نماییم. در این بخش از تحقیق، تحلیل‌های دو متغیره صورت خواهد گرفت، و به بررسی رابطه‌ی بین متغیر مستقل، وابسته و بررسی فرضیه تحقیق پرداخته خواهد شد. تمامی آزمون‌های انجام شده در این بخش در سطح ۵ درصد خطا و ۹۵ درصد اطمینان انجام شده است.

خصوصی خانه	رضایتمندی از محل قرارگیری عناصر ثابت در فضای خانه	۳۵۵	۲/۶۷۸۱
------------	---	-----	--------

نتایج حاصل از آمار توصیفی نشان می‌دهد، که با توجه به تعداد نمونه‌آماري که ۳۵۵ نفر می‌باشد، اکثریت میانگین پاسخ‌سؤالات بزرگ‌تر از ۳ می‌باشد که نشان‌دهنده‌ی آن - است که، پاسخ‌دهندگان عموماً گزینه‌های متوسط، زیاد و خیلی زیاد را برای پاسخ‌گویی به سؤالات انتخاب کرده‌اند. نتایج حاصل از آمار توصیفی نشان‌دهنده حس تعلق ساکنان فضاهای سکونتی در حد متوسط می‌باشد. حال به منظور بررسی دقیق‌تر نتایج، حس تعلق پاسخگویان را به تفکیک - بلوک‌های سکونت به صورت رسم‌نمودار بررسی می‌کنیم.



نمودار ۱- حس تعلق پاسخگویان به تفکیک بلوک‌های محل سکونت (ماخذ: نگارندگان: ۱۳۹۸)

جدول ۳ پراکندگی داده‌ها را در مورد متغیر روان‌شناسی - محیط را نشان می‌دهد. همان‌طور که در جدول زیر مشاهده می‌شود؛ ۹/۰۱ درصد از پاسخ‌دهندگان از نظر روان‌شناسی محیط در شکل‌دهی به فضای سکونت خود احساس آزادی خیلی زیاد، ۲۱/۲۶۹ درصد زیاد، ۳۳/۲۳ درصد متوسط، ۲۵/۳۵ درصد کم و ۱۰/۷۱ درصد بسیار کم می‌کنند.

جدول ۳- توزیع فراوانی متغیر روان‌شناسی محیط (ماخذ: نگارندگان: ۱۳۹۸)

درصد	فراوانی	متغیر
۹/۰۱	۳۲	خیلی زیاد
۲۱/۶۹	۷۷	زیاد
۳۳/۲۳	۱۱۸	متوسط



۸-۲-۱- بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها

برای نشان دادن نرمال و غیرنرمال بودن توزیع متغیرها از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف (K-S) استفاده شده است. اگر مقدار آماره^۷ در مورد هریک از متغیرها در قسمت (چولگی^۸ و کشیدگی^۹) در بازه (۲ و -۲) قرار داشته باشد، در آن صورت متغیر مورد بحث از لحاظ کجی نرمال بوده و توزیع آن متقارن است. که در آن صورت می‌توان، از آزمون-های پارامتریک جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها (آماراستنباطی) استفاده کرد. در غیر این صورت از آزمون-های ناپارامتریک استفاده می‌شود. در این مرحله به بررسی نتایج حاصل از آزمون-مزبور در مورد هریک از متغیرها می‌پردازیم و براساس نتایج حاصل، آزمون مناسب برای بررسی صحت و سقم فرضیه تحقیق را انتخاب می‌نماییم.

جدول ۴- بررسی نرمالیت توزیع داده‌ها (ماخذ: نگارندگان: ۱۳۹۸)

۱۰	-	-	-	-	-
تی	۳۵۵	۰/۴۸۱	۰/۲۴۵	-۰/۱۱۹	۰/۱۲۳
۱۱	-	-	-	-	-
تی	۳۵۵	۰/۵۱۳	۰/۲۴۳	-۰/۵۳۵	۰/۱۲۲
۱۲	-	-	-	-	-
تی	۳۵۵	۰/۵۹۴	۰/۲۴۵	۱/۴۹۱	۰/۱۲۳
۱۳	-	-	-	-	-
تی	۳۵۵	۰/۵۷۴	۰/۲۴۸	۱/۵۹۳	۰/۱۴۲
۱۴	-	-	-	-	-
تی	۳۵۵	۰/۹۵۲	۰/۱۲۴	۱/۲۰۸	۰/۰۶۲
۱	-	-	-	-	-
تی	۳۵۵	۰/۹۸۳	۰/۲۴۵	۱/۲۱۰	۰/۱۲۳
۲	-	-	-	-	-
تی	۳۵۵	۰/۵۲۱	۰/۲۴۹	-۰/۱۲۸	۰/۱۲۵
۳	-	-	-	-	-
تی	۳۵۵	۰/۹۴۵	۰/۲۴۵	۱/۶۰۵	۰/۱۲۳
۴	-	-	-	-	-
تی	۳۵۵	۰/۸۲۳	۰/۲۴۵	-۰/۱۵۰	۰/۱۲۳
۵	-	-	-	-	-
تی	۳۵۵	۰/۰۸۷	۰/۲۴۳	-۰/۷۲۸	۰/۱۲۲
۶	-	-	-	-	-
تی	۳۵۵	۰/۶۶۶	۰/۲۴۵	-۰/۶۴۱	۰/۱۲۳
۷	-	-	-	-	-
تی	۳۵۵	۰/۱۶۸	۰/۲۴۷	-۰/۹۶۸	۰/۱۲۴
۸	-	-	-	-	-
تی	۳۵۵	۰/۲۸۴	۰/۲۴۳	-۱/۱۴۰	۰/۱۲۲
۹	-	-	-	-	-
تی	۳۵۵	۰/۷۱۷	۰/۲۴۳	-۰/۰۵۵	۰/۱۲۲
۱۰	-	-	-	-	-

نتایج آزمون نشان می‌دهد. اکثریت متغیرهای تحقیق از توزیع نرمال برخوردارند، در نتیجه می‌توان از آزمون-پارامتریک جهت تجزیه و تحلیل استفاده کرد. با توجه به جدول ۵ می‌توان به این نتیجه رسید که معناداری میان روان‌شناسی محیط و حس تعلق به مکان برابر ۰/۰۰ بوده، ضریب هم‌بستگی پیرسون برابر ۰/۷۲۴ درصد خطا برابر با ۰/۰۵ و ضریب اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت که میان دومتغیر روان‌شناسی محیطی در طراحی مسکن با حس تعلق به مکان رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

ردیف	آمار توصیفی: کدمتغیر حس تعلق به مکان ۱۴ کد و کد روان‌شناسی محیطی ۱۰ کد				
	تعداد	چولگی		کشیدگی	
		مقدار آماره	انحراف معیار	مقدار آماره	انحراف معیار
تی	۳۵۵	۰/۵۷۲	۰/۲۴۳	-۱/۰۱۸	۰/۱۲۲
تی	۳۵۵	۰/۵۰۷	۰/۲۴۶	-۰/۶۲۰	۰/۱۲۳
تی	۳۵۵	۱/۲۳۲	۰/۲۴۶	۲/۵۲۳	۰/۱۲۳
تی	۳۵۵	۰/۶۹۳	۰/۲۴۷	۰/۰۳۲	۰/۱۲۴
تی	۳۵۵	۰/۱۷۸	۰/۲۴۳	-۱/۲۱۶	۰/۱۲۲
تی	۳۵۵	۰/۰۴۷	۰/۲۴۳	-۰/۸۰۰	۰/۱۲۲
تی	۳۵۵	۰/۱۳۹	۰/۲۴۸	-۰/۸۱۱	۰/۱۲۴
تی	۳۵۵	۰/۲۶۱	۰/۲۴۵	-۱/۱۴۳	۰/۱۲۳
تی	۳۵۵	۰/۷۷۳	۰/۲۴۳	۰/۰۱۲	۰/۱۲۲
تی	۳۵۵	۰/۵۱۹	۰/۲۴۶	-۰/۴۸۲	۰/۱۲۳



معمار در طراحی پلان فضای سکونت و ابعاد مختلف حس تعلق به فضای سکونت سنجیده شده است.

جدول ۷- ضریب همبستگی میان توجه به حق انتخاب و زمینه‌داخله‌ای افراد و مؤلفه‌های حس تعلق به مسکن (ماخذ: نگارندگان: ۱۳۹۸)

متغیر	ضریب همبستگی	سطح خطا	معناداری
مشارکت	۰/۷۵۳	۰/۰۵	۰/۰۰
رضایت‌مندی	۰/۷۲۱	۰/۰۵	۰/۰۰
مسئولیت‌پذیری	۰/۶۴۲	۰/۰۵	۰/۰۰

نتایج حاصل از جدول فوق حاکی از آن است که، به رسمیت شناختن انسان‌ها به عنوان موجودی انتخابگر توسط معمار در طراحی پلان فضای سکونت، بیشترین همبستگی را با عامل مشارکت و رضایت‌مندی از زیرمعیارهای حس-تعلق دارد.

جدول ۸- ضریب همبستگی به رسمیت شناختن بهره‌برداران با خصوصیات متنوع‌شان و حس تعلق به فضای سکونت (ماخذ: نگارندگان: ۱۳۹۸)

متغیرها	ضریب همبستگی پیرسون	سطح خطا	معناداری
توجه به اکثریت عقاید و به رسمیت شناختن آن و حس تعلق به فضای سکونت	۰/۷۹۴	۰/۰۵	۰/۰۰

با توجه به جدول فوق می‌توان به این نتیجه رسید، که با اطمینان ۹۵ درصد، میان این دو متغیر رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

جدول ۹- ضریب همبستگی میان به رسمیت شناختن بهره‌برداران با خصوصیات متنوع‌شان و مؤلفه‌های حس-تعلق به فضای سکونت (ماخذ: نگارندگان: ۱۳۹۸)

متغیر	ضریب همبستگی	سطح خطا	معناداری
مشارکت	۰/۷۲۶	۰/۰۵	۰/۰۰
رضایت‌مندی	۰/۷۴۲	۰/۰۵	۰/۰۰
مسئولیت‌پذیری	۰/۸۳۲	۰/۰۵	۰/۰۰

جدول ۵- ضریب همبستگی میان روان‌شناسی محیط و حس تعلق به مکان (ماخذ: نگارندگان: ۱۳۹۸)

متغیرها	ضریب همبستگی- پیرسون	سطح خطا	معناداری
روان‌شناسی- محیطی و حس تعلق به مکان	۰/۷۲۴	۰/۰۵	۰/۰۰

ضریب همبستگی میان دو متغیر روان‌شناسی محیطی در طراحی مسکن با حس تعلق به مکان برابر ۰/۷۲۴ می‌باشد که مثبت بوده و به لحاظ مقداری هم‌همبستگی خوبی را نشان می‌دهد. این بدان معناست که تغییرات این دو متغیر با هم همبسته و هم‌جهت است و روان‌شناسی محیطی در طراحی مجتمع مسکونی پس از شکل‌گیری آن، موجب بهبود حس تعلق به مکان می‌گردد.

جدول ۶- ضریب همبستگی میان توجه به حق انتخاب و زمینه‌مداخله‌ای افراد و حس تعلق به مسکن (ماخذ: نگارندگان: ۱۳۹۸)

متغیرها	ضریب همبستگی پیرسون	سطح خطا	معناداری
به رسمیت شناختن انسانها به عنوان موجودی انتخابگر توسط معمار در طراحی پلان فضای سکونت و حس تعلق به مکان	۰/۷۸۵	۰/۰۵	۰/۰۰

با توجه به جدول ۶ می‌توان به این نتیجه رسید، که با اطمینان ۹۵ درصد، میان به رسمیت شناختن انسان‌ها به عنوان موجودی انتخابگر توسط معمار در طراحی پلان فضای سکونت و حس تعلق به مسکن رابطه‌ی معناداری وجود دارد. حال در جدول ۷ زیر همبستگی میان به رسمیت شناختن انسان‌ها به عنوان موجودی انتخابگر توسط-



نتایج حاصل از جدول ۹ حاکی از آن است که، توجه به این عامل، بیشترین همبستگی را با عامل رضایتمندی در درجه اول (ضریب همبستگی ۰/۸۳۲) و مسئولیت‌پذیری ضریب همبستگی ۰/۷۴۲ و مشارکت ضریب همبستگی ۰/۷۲۶) به ترتیب در درجه دوم و سوم دارد.

۹- نتیجه‌گیری

از ابتدایی‌ترین نیازهای بشر در طول تاریخ، نیاز به مسکن است. یکی از مباحثی که در سال‌های اخیر مورد توجه محققان و صاحب نظران قرار گرفته است، بحث مسکن و عوامل مؤثر در مجموعه‌های مسکونی است. منظور از مؤلفه‌های تأثیرگذار در طراحی مجموعه‌های مسکونی، مجموعه‌ای از معیارهای اجتماعی و روان‌شناختی است که در ادراک و دریافت مجموعه‌های مسکونی و در نتیجه در برنامه‌ریزی و طراحی آن‌ها مؤثر است که این مؤلفه‌ها در سه مقیاس بررسی و دسته‌بندی شده‌اند. در مقیاس اول، پیوند بیرونی مجموعه‌های مسکونی با محیط‌های مجاور در دو قسمت تداوم کالبدی، اجتماعی و اقتصادی و همچنین هویت و شناسه مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در مقیاس دوم، رابطه درونی مجموعه‌ها و ارتباطات خارج از واحدهای مسکونی در هفت قسمت خلوت و تعامل- اجتماعی، فضای باز مجموعه مسکونی، احساس امنیت، دسترسی، فضای سبز، فضای بازی کودکان، محل‌های- نشستن، رضایتمندی سکونت و حس تعلق مورد بررسی قرار گرفته‌اند، که حفظ حریمیت واحدها کمک‌کننده خواهد بود. همچنین ایجاد حس امنیت از طریق افزایش نظارت‌پذیری محوطه‌باز مسکونی ساکنین، دید مناسب به محوطه از واحدهای مسکونی و قابلیت دسترسی سریع به فضای باز، میزان تراکم مسکونی ممکن خواهد بود. و در مقیاس سوم، واحدهای مسکونی در قسمت فضاهای داخلی واحدهای مسکونی مورد بررسی قرار می‌گیرد. طراحی- مسیرهای پیاده و سواره و توجه به طراحی اقلیمی و صرفه- جویی در مصرف انرژی هم‌از دیگر عوامل مؤثر در طراحی مجموعه‌های مسکونی است که باید مورد توجه قرار گیرد. مردم خود را به واسطه مکانی که در آن به دنیا آمده و رشد کرده‌اند، تعریف می‌کنند که از آن به عنوان تعلق به مکان یاد می‌شود. حس تعلق به مکان سبب تعامل میان-

انسان و مکان می‌شود و معماری به این تعامل عینیت- می‌بخشد. حس تعلق در معماری از یک طرف وابسته به مشخصات و ویژگی‌های فردی شامل: انگیزش‌ها، شایستگی‌ها و شناخت افراد نسبت به مکان بوده و از طرف دیگر ریشه در تعاملات اجتماعی و ارتباط فرد و دیگران در محیط دارد. این فرآیند حس تعلق از نیاز اساسی انسان به تعلق ناشی می‌شود. هرچقدر محیط در تأمین سطوح مختلف نیازهای انسانی توانا تر باشد، به- همان نسبت ارتباط فرد با محیط مؤثرتر است. و نهایتاً معنای استنباطی مثبتی به همراه خواهد داشت. بر اساس نتایج حاصل از تحقیقات کتابخانه‌ای و با توجه به اطلاعات- گردآوری شده با استفاده از تکنیک پرسشنامه و تجزیه و تحلیل آن‌ها، میان طراحی مجتمع مسکونی با روان‌شناسی- محیطی و حس تعلق به مکان رابطه‌ی معنا داری وجود دارد. به عبارت دیگر مشخص گشت که توجه به عواملی در طراحی مسکن با زمینه روان‌شناسی محیط در شکل‌دهی به فضای سکونت، پس از شکل‌گیری آن را فراهم- می‌آورد، تأثیر معنا داری در ارتقای حس تعلق به مکان دارد. همچنین، میان تأثیرگذاری دو عامل به رسمیت شناختن- انسان‌ها با خصوصیات متنوع‌شان در طراحی و به رسمیت شناختن انسان‌ها به عنوان موجودی انتخابگر، بر حس تعلق به فضای سکونت برتری خاصی وجود ندارد. به- عبارتی نمی‌توان یکی از این عوامل را بر افزایش حس- تعلق تأثیرگذارتر ارزیابی نمود. این پژوهش می‌تواند نقطه آغازینی در راستای ارزیابی و بازنگری واحدهای فضاهای مسکونی، فضاهای باز مجتمع‌های مسکونی تلقی گردد. و مبنای تدوین راهنمای طراحی جهت ارتقای کیفی فضای- مسکونی گردد.

۹-۱- پیشنهادات طراحی

- تخصصی نکردن فضای زیست- فضاهای چندمنظوره
- استفاده از جداکننده‌ها- پارٹیشن- عناصر کشویی و تاشو.
- استفاده از کمدهای متحرک به منظور جداسازی فضاها از یکدیگر



- طراحان باید فضا را براساس مفاهیم حسی استفاده-
کنندگان شکل دهند.

- طراحی و ساخت یک واحدهمسایگی به هم پیوسته به-
طوری که اجزا، ساختمان‌ها و امکانات آن بالاترین حد
استانداردهای سودمند و کاربردی مسکن پایدار انسانی را دارا
باشد

- طراحی یک محیط زندگی به گونه‌ای که از ارتباطات-
و شن و راهکارهای تصمیم‌گیری جمعی استفاده کرده که-
در نتیجه باعث توسعه‌ی امنیت، احترام و همکاری ساکنین-
شود.

- توجه به ارتباطات هویتی و فرهنگی ساکنین مجتمع با
تناسبات کالبدی و فرهنگی، مکانی برای تعاملات و
آشنایی افراد، ایجاد خاطره‌ها

۹-۲- پیشنهاد فضاهای خدماتی

- جانمایی مناسب فضاهای مرطوب و دسترسی (تجمع
فضاهای خدماتی در یک محدوده خاص، به طوری که
فضاهای اصلی به صورت خالص باقی بمانند).

۳-۹- پیشنهاد سازه‌ای

- بکارگیری سیستم سازه‌ای نرم (توجه به محل قرارگیری
ستون‌ها)

- استفاده از دال تخت برای فضاها با ستون گذاری غیر-
متعارف

- بکارگیری دیوارهای غیرباربر

۱۰- تشکر و قدردانی

جا دارد از تمامی ساکنین و مسئولین محترم برج‌های
آسمان شهر تبریز نهایت تشکر و قدردانی را بکنیم که در
تکمیل این مقاله کمک‌ها و همکاری‌های لازم را به
عمل آوردند.

۱۱- پی‌نوشت‌ها

1. Putrajaya
2. Kolmogorov-Smirnov test
3. SPSS

۴. توسعه‌ی پایدار، توسعه‌ای است که نیازهای نسل حاضر
برآورد کند، بدون آن که نسل آینده را در تامین نیازهایشان
به مخاطره بیافکند.

۵. به کوه سرخ فام به زبان محلی در تبریز عینالی داغی
گفته می‌شود.

۶. به تلخه‌رود در زبان محلی تبریز آچی‌چایی گفته-
می‌شود.

7. Statistic

8. Skewness

9. Kurtosis

۱۲- منابع فارسی و لاتین

- پورمحمد، محمدرضا. (۱۳۹۳). برنامه‌ریزی مسکن، سازمان
مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- حکمت‌نیا، حسن؛ ژینوس انصاری. (۱۳۹۱).
برنامه‌ریزی مسکن شهرمید با رویکرد توسعه پایدار.
پژوهش‌های جغرافیای انسانی ۷۹: ۲۰۷-۱۹۱
- حیدری، علی‌اکبر؛ مطلبی، قاسم؛ نگین تاجی، فروغ.
(۱۳۹۳). تحلیل بعد کالبدی حس تعلق به مکان در خانه‌های-
سنتی و مجتمع‌های مسکونی امروزی. نشریه هنرهای زیبا-
معماری و شهرسازی، ۱۹ (۳): ۷۵-۸۶
- خلیلیان، شاهین؛ البرزی، فریبا؛ سهیلی، جمال‌الدین.
(۱۳۹۸). تأثیر فضاهای باز و سرپوشیده مجتمع‌های مسکونی
بر مؤلفه آسایش حرارتی کیفیت محیط با رویکرد منطق فازی
(مطالعه‌ی موردی: مجتمع‌های مسکونی کلان شهر تهران.
برنامه‌ریزی شهری، پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۱۰ (۳۶)
: ۱۲۹-۱۴۲.
- خموشی، مریم؛ حمیدزاده، سهیلا. (۱۳۹۷). بررسی عوامل-
پایداری در طراحی مجتمع مسکونی با هدف زیبایی شهر،
کنفرانس عمران، معماری و شهرسازی کشورهای جهان اسلام،
ایران، تبریز پایتخت گردشگری کشورهای اسلامی.
- رستم‌خانی، پروانه. (۱۳۹۱). اصول طراحی فضای سبز در
محیط‌های مسکونی. تهران: مرکز تحقیقات ساختمان و
مسکن.
- صافیان، محمدجواد؛ ناصر، مومنی. (۱۳۸۹). بررسی رابطه
میان سکنی‌گزیدن و فراخواندن از نظر هیدرگ.
- فرامرزی، مهسا؛ زینالی‌عظیم، علی. (۱۳۹۷). ارزیابی عملکرد
مدیریتی شهر تبریز پس از استقرار شورای سلامی شهر تبریز.
فصلنامه جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای)، ۳۳ (۱): ۴۴۵-
۴۵۸

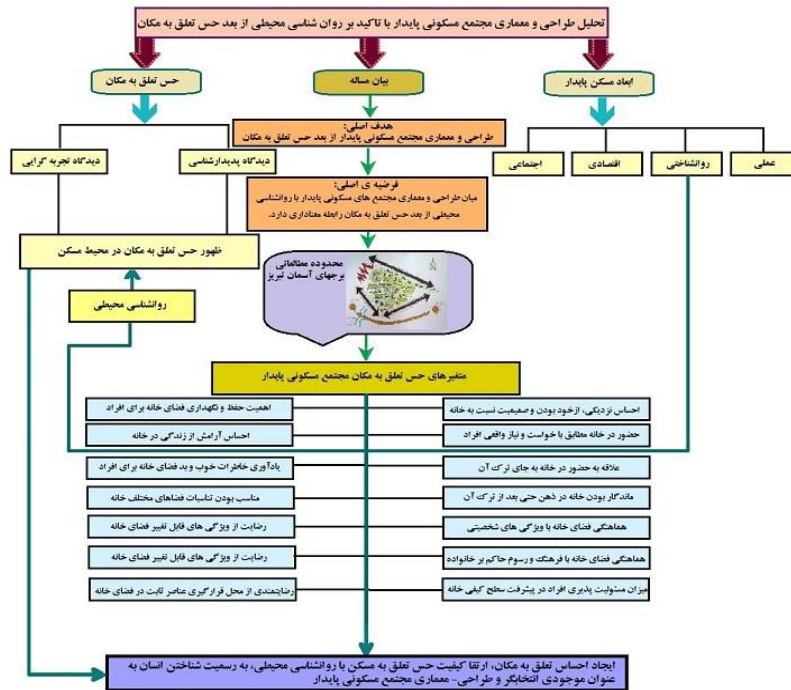


- Thesis, Lund University International Master's Program in Environmental Science.
- Consultants, W. A. (2001). Sustainable Construction: Company Indicator. London CIRIA C563.
 - Counted, V. (2016). Making Sense of Place Attachment: Towards a Holistic Understanding of People-place Relationships and Experiences. In T.R.E. Paddock and C.P Heidkamp (Eds.), Environment, Space, Place, 8(1), 7-32. Minneapolis, MN: University of Minnesota Press
 - Craik, K. H. (1970). Environmental psychology: In new directions in psychology 4. New York. Holt.
 - Gifford, R. (2005). Applying Social psychology to the Environment: Six Goals of Social Design. SAGE publications.
 - Hidalgo, M. C. & Hernandez, B. (2001). Place attachment: conceptual and empirical questions. Journal of Environmental Psychology, 21, 273-28
 - Holton, I., Glass, J. & Price, A. D. F. (2010). managing for sustainability: findings from four company case studies in the UK precast concrete industry. Journal of Cleaner Production, 18, 152-160.
 - Ismail, I. S., Shamsuddin, Sh. & Bashri, S. A. (2008). an Evaluation of Residents Perception of Identity Putrajaya New Town. Journal Alam Bina, Jilid, 13, 4.
 - Jencks, C. (1977). The language of post-modern Architecture. London, Academy Editions.
 - Jiboye, A. D. (2011). Achieving sustainable housing delivery in Nigeria: a critical challenge to governance. International Journal of Humanities and Social Science, 9, 26269041.
 - Knox, P. & Pinch, S. (2000). Urban Social Geography: An Introduction Prentice Hall: Harlow (6th ed.). Routledge.
 - محرم‌نژاد؛ ناصر؛ بهمن‌پور؛ هومن. (۱۳۸۸). بررسی اثرات- توسعه‌شهری بر فضای سبز شهرتبریز و ارائه راهکارهای- مدیریتی، علوم و تکنولوژی محیطزیست، ۴۳، ۵۲۵.
 - مطلبی، قاسم. (۱۳۸۰). روان‌شناسی محیطی دانشی-نو در خدمت معماری و طراحی شهری، نشریه‌هنرهای زیبا، شماره ۱۰.
 - مرتضوی، شهرناز. (۱۳۸۰). روان‌شناسی محیط و کاربرد آن. تهران: انتشارات دانشکده شهید بهشتی.
 - مک‌اندرو، فرانسیس تی / م. (۱۳۸۷). روان‌شناسی محیطی. ترجمه: غلامرضا محمودی، تهران، انتشارات زریاف.
 - منصورحسینی، ندا؛ جوان‌فروزنده، علی. (۱۳۹۷). نقش- مؤلفه‌های کالبدی-معنایی مکان‌های عمومی مجتمع‌های- مسکونی در حضورپذیری سالمندان (مطالعه‌موردی: شهرک اکباتان). نشریه‌ی هویت‌شهر، ۱۲ (۳۳): ۶۱-۷۴.
 - نمازیان، علی؛ فارونی، فاطمه. (۱۳۹۲). حلقه‌گمشده روان‌شناسی محیط در آموزش معماری، انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران، ۵: ۱۲۱-۱۳۱.
 - Abidin, N.Z. (2009). Sustainable construction in Malaysia developers' awareness. World Academy of Science, Engineering and Technology, 53, 807-814.
 - Adamus, L. (2014). Environmentally friendly construction products selection based on building model data. In: Creative Construction Conference.
 - Altman, I. & Low, S. M. (1992). Place Attachment: A Conceptual Inquiry. Plenum Press, New York.
 - Bakar, A. H. A., Arman, A. R., Shardy, A., Awang, A. & Peruma, V. (2010). Critical
 - Success factors for sustainable housing: a framework from the project. Asian Journal of Management Research, 66-80.
 - Barker, R. G. (1968). Ecological psychology concepts and methods for studying the environment of human behavior, Stanford, California. Stanford University press.
 - Cai, H. (2004). Toward Sustainable Housing: A comparative study of examples in China and Sweden. MSC



- Rogan, R., O'Connor, M. & Horwitz, P. (2005). Nowhere to hide: Awareness and perceptions of environmental change, and their influence on relationships with place. *Journal of Environmental Psychology*, 25, 147-158.
- Szekely, F. & Knirsch, M. (2005). Responsible leadership and corporate social responsibility: metrics for sustainable performance. *European Management Journal*, 23, 628-647.
- Ujang, N. & Zakariya, K. (2015). Place Attachment and the Value of Place in the Life of the Users. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 168, 373-380.
- Watson, A. (2011). Digital buildings—Challenges and opportunities. *Advanced engineering Informatics*, 25, 573-581.
- Kyle, G., Grefe, A., Manning, R. & Bacon, J. (2004). Effects of place the attachment on users' perceptions of social and environmental conditions in a natural setting: *Journal of Environmental Psychology*, 2, 213-225.
- Manoliadis, O., Tsolas, I. & Nakaou, A. (2007). Sustainable construction and drivers of change in Greece: a Delphi study. *Construction Management and Economics*, 24, 113-120.
- Maslow, A. H. (1954). *Motivation and personality*. Harper and Row, New York
- Najafi, M. & Shariff, M. (2011). The Concept of Place and Sense of Place In *rchitectural Studies World Academy of Science, Engineering and Technology*, 56, 1100-1106
- Relph, E. (1976). *Place and placelessness*. London: Pion Limited.
- Robins, F. (2006). The challenge of TBL: a responsibility to whom? *Business Society Rev*, 111, 1-14.

۱۳- چکیده تصویری





Design and Architecture Analysis of Sustainable Residential Complex with Emphasis on Environmental Psychology from the Sensibility of Place (Case Study: Tabriz Aseman Towers)

Ahmad Mirzamohammadi¹, Shohreh Bagherzadeh Kasiri^{*2}, Ali Zeynaly Azim³

Submitted:

2019-07-28

Accepted:

2020-04-24

Abstract

Due to the accumulation of users at a limited level and the significant use of energy resources in tall buildings, it is necessary to consider the sustainability approach in the design process and operation stage. The development of technology and the specialization of various sciences such as architecture along with issues related to environmental psychology are among the factors that affect human comfort and tranquility, as well as the rapid growth of cities, increasing urban population and subsequent housing construction in the form of Residential complexes and poor physical and heterogeneous physical development, as well as a quantitative view of physical elements, have had consequences such as loss of space, alienation of man from space, and ultimately reduced sense of place. Therefore, considering that the environment is one of the effective factors in creating a sense of place and a sense of belonging to users, it is necessary to conduct extensive studies to identify elements of sense of place in quantitative and qualitative dimensions of society. The main question of the research is whether the design of a residential complex with an environmental psychology approach will lead to the sustainability of residential complexes in terms of a sense of belonging to the place? Objective: The main purpose of the research is to analyze the design of a sustainable residential complex with an emphasis on environmental psychology in terms of the sense of belonging to a place in the city of Tabriz. The present research method is descriptive-analytical and survey-based. The statistical population includes all the inhabitants of the sky towers of Tabriz, which is about 2612 people. The sample size is 355 inhabitants of Tabriz Sky Tower, which was obtained by Cochran's method. SPSS software has been used in data analysis. Cronbach's alpha was used to confirm the reliability of the questions, which was 0.885. For the variability of the variables, the Kolmogorov-Smirnov test (K-S) was used, and then Pearson correlation coefficient was used. Results: Based on the results of library research and based on the information collected using the questionnaire technique and their analysis, it was found that there is a significant relationship between the design of a sustainable residential complex with environmental psychology and the sense of belonging to the place. Conclusion: It turned out that paying attention to the factors in the design of housing with the background of environmental psychology in shaping the living space, after its formation, has a significant effect on improving the sense of belonging to the place. Also, there is no significant advantage between the two factors of recognizing humans with their diverse characteristics in design and recognizing humans as selective beings, in terms of belonging to the living space. In other words, one of these factors cannot be considered more effective in increasing the sense of belonging. This research can be considered as a starting point for evaluating and reviewing residential space units, open spaces of residential complexes and can be the basis for developing a design guide to improve the quality of residential space. Based on the results of library research and with regard to the information gathered using the questionnaire technique and its analysis, the hypothesis of this study is a significant relationship between the design of the residential complex with environmental psychology and the sense of belonging to the place. . In other words, it was noted that paying attention to factors in the design of housing with the field of environmental psychology in shaping the living space after its formation has a significant effect on the sense of belonging to the place. Also, the influence of the two factors, "recognition of human beings with their diverse characteristics in design" and "recognition of humans as an inventory of choices," does not have a certain superiority over the sense of belonging to the habitat. In other words, one of these factors cannot be evaluated for increasing the sense of belonging.

Keyword: environmental capabilities, existential human aspects, ethical lifestyle, development of ethical behavior, traditional Iranian neighborhoods

¹ M.Sc. Student of Architecture, Eskou Branch, Islamic Azad University, Eskou,, Iran

² *Assistant Professor of Architecture, Islamic Azad University of Oskou; Oskou, Iran.

³ Assistant Professor in Urban Planning and Architecture Young Researchers and Elite Club, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran.